■ روزنـامه فرهنگی، اجتمـاعی صبح ایـران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ۳۶۳۷-ISSN۱۷۳۵
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

شنبه ۱۱ آبان ۱۳۹۸ | ۴ ربیع الاول ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۵۱۵ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Saturday - 2019 November 2

حدیث روز: معانی‌الاخبار

امام صادق(ع): شب زنده‌داری را فرو مگذار، زیرا زیان رسیده واقعی کسی است که شب زنده‌داری را از دست بدهد.

پلک احساس: حافظ

کیسه سیم و زرت پاك بباید پرداخت
این طمع‌ها که تو از سیمبران می‌داری

امروز در تاریخ:

- آغاز پاکسازی آلودگی‌های جنگی خلیج‌فارس با همکاری کشورهای منطقه (۱۳۶۷ ش)
- تیرباران طیب حاج رضایی و برادرش اسماعیل رضایی به جرم دفاع از امام خمینی(ره) (۱۳۴۲ش)
- آغاز به کار اولین فرستنده تلویزیونی در لندن (۱۹۳۶م)
- درگذشت جورج برنارد شاو، نمایشنامه‌نویس و منتقد ادبی ایرلندی (۱۹۵۰م)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۱/۴۸ | غروب آفتاب: ۱۷/۰۹
اذان مغرب: ۱۷/۲۷ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۰۶
اذان صبح (فردا): ۵/۰۳ | طلوع خورشید (فردا): ۶/۲۸

پیش‌بینی آب و هوا یکشنبه

تهران	اهواز	ایلام	اردبیل	بیرجند	بندرعباس	زاهدان	کرمان
۲۰ / ۱۰	۳۲ / ۱۶	۱۹ / ۶	۷ / ۲	۲۴ / ۶	۳۲ / ۲۲	۲۶ / ۹	۲۳ / ۴

حکمت ۹۲: نهج‌البلاغه

بی‌ارزش‌ترین دانش، آن است که بر سر زبان است و برترین علم، آن است که در اعضا و جوارح آشکار است.

خودنویس

کفتربازبودن یا نویسنده بودن

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

نمی‌دانم کی چه کار کرده و چه اتفاقی افتاده که امروز یکم نوامبر را گذاشته‌اند روز جهانی نویسنده. حالا این‌که نویسنده کیست و دقیقا چه کار می‌کند هم نقلی است که من خیلی بلد نیستم بنشینم به فلسفیدن که نوشتن دقیقا یعنی چه ولی می‌توانم این ادعا را داشته باشم که به نظر من حقیر، خواندن در وهله اول و نوشتن در رتبه دوم لذتبخش‌ترین کارهایی است که یك انسان می‌تواند تجربه‌شان کند.

خب ممکن است بگویی این خیلی حرف کلی و در عین حال شخصی است، مثلا یك کفتر باز یا یك ماشین باز هم همین را بگویند و معتقد باشند بهترین لحظه عمر همان لحظه‌ای است که توی سعله کفتری چینه‌دان کفتر نر بغدادی‌ات را بین انگشت می‌گیری و می‌مالی تا دونی که خورده را تنك کنی و کفتر راحت بپرد یا یك ماشین باز بگوید بهترین لحظه عمر همان لحظه‌ای است که باکت را پر بنزین سوپر کرده‌ای و توی اتوبانی بدون دوربین سه به چهار بدی و از اوج گرفتن عقربه دور موتور دلت ضعف برود.

ولی قصه این است کفتربازها، ماشین بازها یا هرکسی هر علاقه‌ای دیگری در دنیا داشته باشد، ممکن است زیاد باشند، ولی واقعا خیلی‌ها نمی‌توانند لذتشان را بیان کنند. یعنی کفتربازها مثلا نمی‌توانند یك جوری مرگ پرپایشان را بیان کنند که تو به عمق ماجرا پی ببری و وقتی اشکش را می‌بینی، نگویی مردك دیوانه یك کفتر مردن که گریه ندارد. نویسنده‌ها کارشان همین است.

پیامبرانی کوچك با معجزه‌هایی معمولی که خیلی‌هاشان دندان‌های سالمی ندارند. جثه‌هاشان نحیف است و انگشت‌های دردناکی دارند. معمولا توی کتف و بازو و گردنشان یك درد محوی مستاجر است که حاصل زیاد نوشتن است. همیشه بدهکارند و عاشق تماشا کردن خودنویس فروشی‌ها و لوازم‌التحریرفروشی‌هایند. نویسنده‌ها همیشه دارند کار می‌کنند حتی وقتی توی تراس نشسته‌اند و دارند سیگار می‌کشند. دقایق قبل از خواب برای نویسنده‌ها لحظات عجیبی است. ارتش کلمات توی سرشان رژه می‌رود. ارتش سوژه‌ها، مضمون‌ها و تصویرها. نویسنده‌هایی که زرنگ‌ترند کاغذ و قلمی کنار دستشان دارند و درشت‌ها و خوشتراش‌هاشان را سوا می‌کنند و یادداشت می‌کنند و شاید یك روزی یك جایی به کارشان می‌آید. به خاطر همین است که نویسنده‌ها عاشق شبند و توی این شب لاکردار است که خیلی اتفاقات عجیب و غریب می‌افتد.

نویسنده‌ها معمولا راننده‌های خوبی نمی‌شوند، چون رانندگی تمرکز صددرصد روی راه و مرکب می‌خواهد و خب این جماعت خیلی نمی‌توانند لگام به تخیلشان بزنند. اگر دوست نویسنده‌ای دارید و قرار است کنارش بنشینید و او راننده باشد خیلی نگذارید سکوت کند و به حرفش بگیرید که کلمات گاهی نجات‌دهنده جان شمایند. نویسنده‌ها مثل درخت و مثل هوا برای جوامع بشری مفیدند. محیط زیستی که نویسنده نداشته باشد قطعا یك چیزی کم دارد. نویسنده بودن، انتخاب یك رنج شیرین برای زندگی است.

گفت‌وگو با مهدی طالقانی؛ برادر زنده یاد اعظم طالقانی

خواهرم واقعا آقازاده بود

کافه میرداماد

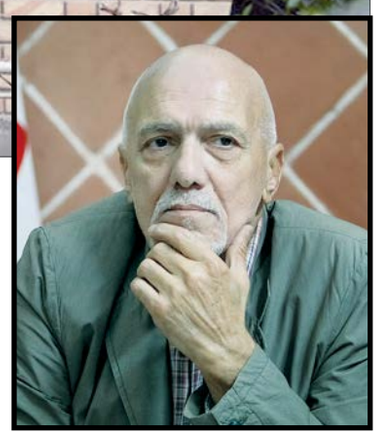

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

همه ما شنیده‌ایم، همه نسل‌ها در زمان‌هایی خاص از این جمله استفاده می‌کنند: پسر کو ندارد نشان از پدر ... ! جمله‌ای مردسالارانه که در زمان‌های قدیم کاربردهای زیادی داشت، بخصوص زمانی که می‌خواستند، ثابت کنند بزرگی یک مرد؛ ژنتیکی است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و البته از پدر به پسر!

اما زمانه عوض شده، حالا همه می‌دانند و قبول کرده‌اند که ژن‌های پدر و مادر به مساوات به فرزند می‌رسد، فرق هم نمی‌کند که فرزند دختر است یا پسر. ژن غالب، خود را بروز می‌دهد فرق هم نمی‌کند که فرزند پسر باشد یا دختر. اما الان حرف‌های دیگری هم شنیده می‌شود، این که بین پدر و دختر ارتباط عاطفی شدیدی برقرار است. این که پدرها لذت می‌برند وقتی می‌بینند که دخترشان به آنها شباهت دارد، شباهت ظاهری منظورم نیست. پدر به خود می‌بالد وقتی دخترش را تماشا می‌کند که کردار، رفتار، کنش و منش‌اش مثل خود اوست. اصلا یک پا «مرد» است برای خودش. «مرد» به معنای جنسیت «مذکر» نه! به معنای توانمندی و اقتدار و استقلال. این را روان‌شناسان هم تایید کرده‌اند که زن، جنس لطیف است، زن می‌تواند از هر دو نیمکره مغزش هم‌زمان با هم استفاده کند برای همین است، زنان هم‌زمان با هم می‌توانند چند تا کار را انجام دهند. عصب‌شناسی به‌نام دکتر جو دیسپنزا می‌گوید: اسکن مغز زنان را که نگاه می‌کنی انگار به تماشای رعد و برق نشسته‌ای، بس که همزمان با هم به چند موضوع فکر می‌کنند. اما به مرحله تصمیم‌گیری که می‌رسد، مردها قاطع‌تر تصمیم می‌گیرند و همین است که اقتدار خود را به نمایش می‌گذارند و به رخ می‌کشند!

همه این‌ها را گفتم که بنویسم برخی از زنان نشان می‌دهند که دوره «پسر کو ندارد نشان از پدر...» به پایان رسیده و رفتار و گفتار این زنان حتی نتیجه تحقیقات عصب‌شناسان را هم به چالش می‌کشد و ته‌اش می‌ماند همین یک جمله که رابطه دختر و پدری از آن رابطه‌های عمیق است که اگر شکل بگیرد هیچ پایانی برای آن نیست و زنده یاد «اعظم طالقانی» این گفته را به اثبات رساند و چنان به راه پدر؛ زنده یاد مرحوم آیت‌ا... طالقانی رفت که هیچ‌کدام از پسرهای او چنین شیفته و عاشق راه پدر را ادامه ندادند.

برکت حضور پدر

مهدی طالقانی، برادر ناتنی زنده یاد اعظم خانم طالقانی هم این گفته را تایید می‌کند و می‌گوید: عاشق پدرم بود و پدر این را فهمیده بود. پدر در خانه برایمان کلاس تفسیر قرآن برگزار می‌کرد و تنها بچه‌ای که تا پایان جلسه پای درس پدر می‌نشست، اعظم خانم بود.

مرحوم طالقانی دو همسر داشته و آنطور که مهدی طالقانی می‌گوید، اعظم خانم، فرزند همسر دوم بوده. اما رابطه بچه‌ها با هم خیلی خوب بوده و اصلا به این فکر نمی‌کردند که مادرشان یکی نیست. این رابطه خوب نتیجه برکت حضور پدر بود. ما با هم رفت و آمد داشتیم و همین باعث شده بود رابطه خوبی با هم داشته باشیم. مادر من پنج فرزند داشت و مادر اعظم خانم هم پنج فرزند. پنج پسر بودیم و پنج دختر که متاسفانه اعظم خانم از میان ما رفت. ایشان ۴ فرزند دارد که همگی شایسته و بزرگوارند.

مرحوم اعظم طالقانی برای نسل من همان زنی است که زمان ثبت نام برای نامزدی ریاست جمهوری که می‌رسید، راه می‌افتاد سمت وزارت کشور تا اسمش را بنویسد به این امید که تایید شود و این حق را داشته باشد که مردم به او رای بدهند یا ندهند. آخرین تصویری که از او به یاد دارم، همان تصویری است که با واکر آمد و ایستاد مقابل پله‌های وزارت کشور و به سوال خبرنگارها پاسخ داد و گفت به عنوان یک ایرانی طبق قانون اساسی این حق را دارد که برای ریاست جمهوری ثبت نام کند. از نفس افتاده بود اما راهی را که آغاز کرده بود، دوست داشت که به پایان برساند که نشد و اجل به او چنین فرصتی را نداد.

مهدی طالقانی در این باره می‌گوید: مانند پدر مصمم بود و می‌دانست حرف بی‌ربطی نمی‌زند و خواسته ناحقی ندارد. ایشان بر این باور بود که معنای «رجل سیاسی» این نیست که زنان نتوانند نامزد رئیس جمهوری شوند، باورش این بود که باید به زنان هم این حق داده شود. می‌گفت شاید این خواسته در زمان من محقق نشود اما چند دوره ثبت‌نام کرد با این هدف و آرزو که روزی زنان نسل آینده بتوانند رئیس جمهور ایران اسلامی شوند.

آقازاده‌هایی که ژن خوب نیستند

مرحوم اعظم طالقانی، در چهار دهه که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد همیشه نامش بود، پررنگ و در اصل موضوعات سیاسی و اجتماعی نه اما در سایه کار خودش را انجام می‌داد، باورهایش را پیگیری می‌کرد، همان باورها و اعتقاداتی که از پدر به او رسیده بود و برای آنها در زمان پهلوی به زندان هم رفته بود اما همان‌گونه که سیاست را از پدر آموخته بود، اخلاق و انسانیت را نیز یاد گرفته بود. نه تندروی بیهوده داشت و نه سکوت مصلحت‌آمیز. هر جا لازم بود وارد میدان می‌شد از حق طرفداری می‌کرد و حق می‌گفت اما از جار و جنجال بیهوده پرهیز می‌کرد. مرامش آنقدر درست و به حق بود که هیچ‌کس در هیچ زمانی نتوانست او را به جناحی متصل بداند و بگوید او برای منافع شخصی حرکتی انجام داده است.

برادرش مهدی می‌گوید: ما آقازاده‌ایم! همه فرزندان آقای طالقانی آقازاده‌اند هم دختران هم پسران هم نوه‌ها. اما ژن خوب نیستیم! اعظم خانم هم آقازاده بود. فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زیادی داشت اما هرگز وارد مناصب دولتی نشد، هیچکدام‌مان نشدیم. در دوره‌هایی دخترها نماینده مجلس بودند اما همان زمان‌ها هم همه چیز شفاف بود و هرگز هیچ‌کس نتوانست انگشت اتهام یا فساد مالی به سمت ما بگیرد. همه می‌دانند که مرحوم آیت‌ا... طالقانی بعد از امام خمینی (ره) موثرترین شخصیت انقلاب اسلامی بودند اما ما هرگز از این امتیاز برای منافع شخصی استفاده نکردیم. دیروز از همه اقشار مردم و از همه طیف‌های سیاسی برای تشیع پیکر اعظم خانم آمده بودند، مراسم با احترام خاصی برگزار شد چون خود اعظم خانم شخصیت محترمی بودند. هرگز نه حرف تند سیاسی بر زبان آوردند نه به کسی و فردی بی‌احترامی کردند. همیشه از دانش و آگاهی سیاسی خود به نفع حق استفاده کردند و چنان معقول رفتار کردند که هیچ جناحی و هیچ فردی نتوانست در همه این سال‌ها به ایشان خُرده بگیرد. محترم زندگی کرد و محترم از میان ما رفت. روحش شاد

رونمایی از آیفون ۷۰ هزار دلاری

برند لوکس Caviar که یك برند روسی است از جدیدترین طراحی جدید خود رونمایی کرد. این طراحی روی گوشی آیفون ۱۱ پرو انجام شده و نیم‌کیلو طلای ۱۸ عیار در پشت خود دارد.

به گزارش انتخاب، قیمت این گوشی بیش از ۷۰ هزار دلار و گران‌ترین آیفون ۱۱ پرو موجود در بازار است. البته اگر به دنبال نسخه ۵۱۲ گیگابایتی آیفون ۱۱ پرو مکس بروید این رقم دقیقاً به ۵۲۰/۷۱ دلار افزایش پیدا می‌کند. شرکت Caviar یك شرکت طراح روسی است که نسخه‌های لوکس و بسیار گرانقیمتی از گوشی‌های مختلف را در تعدادی بسیار محدود تولید می‌کند. این گوشی‌ها می‌توانند دارای طلا، سنگ‌های قیمتی و انواع تزئینات بسیار پربها باشند.

مدرسه زندگی

علی رئوف

آدم که نمی‌تواند بدون تعلق زندگی کند. حالا اگر تمام سال، کنج آن آپارتمان وسط شهر، روز را به شب برسانی، تعلقت آویزان می‌شود به دیوارها و پنجره‌های همان چاردیواری. اما اگر هر چند ماه زندگی‌ات را بار ببندی و از این دشت به آن دشت کوچ کنی دیگر تعلقت میخ چهار دیوار نمی‌شود. پرنده می‌شود در آسمان خدا. هر جا که آبی آسمانی باشد و جریان رودی. مدرسه‌های شهری ما به وجود آمده‌اند تا کنار خواندن و نوشتن، آداب زندگی طبیعی را یاد بچه‌هایی بدهند که تا چشم باز کرده‌اند، دیوار دیده‌اند و خیابان. اما مدرسه‌های عشایری، به بچه‌هایی که در دامن طبیعت تربیت شده‌اند، چه چیزی غیر از خواندن و نوشتن را می‌خواهند بیاموزند؟

عکس: تسنیم

خودرویی با موتور جت

شرکت رولزرویس یك خودرو با موتور جت ساخته که قصد دارد رکورد سرعت زمینی را بشکند.

به گزارش ایسنا، این شرکت یك خودروی مافوق صوت ساخته که طی آزمایش آن در صحرای آفریقای جنوبی در هفته جاری، توانست به حداکثر سرعت ۳۳۴ مایل بر ساعت (۵۲۱/۵۳۷ کیلومتر بر ساعت) دست یابد. مهندسان قصد دارند این رکورد را به ۷۶۳ مایل بر ساعت برسانند؛ سرعتی که انجام آن طی ۲۲ سال گذشته توسط یك خلبان انگلیسی برنامه‌ریزی شده بود. این خلبان که اندی گرین نام دارد، این بار هم هدایت خودروی مذکور به نام Bloodhound را در دست خواهد گرفت. تیم این پروژه امیدوارند که Bloodhound به سرعت‌های بیشتر هم دست یابد. موتور این خودرو که برای جت است، EJ200 نام دارد و تا حدودی توسط رولزرویس توسعه داده شده است. این خودرو نیرویی معادل ۱۳۵ هزار اسب بخار تولید خواهد کرد که معادل نیروی بیش از ۱۵۰ خودروی فرمول یك است و برای آماده‌سازی در سال ۲۰۲۰ یا ۲۰۲۱ میلادی، در حال انجام آزمایش در صحرای نمکی آفریقاست.

مقطع حساس کنونی

حکایت آهویی که اسیر شد

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

یك شکارچی غیرمجاز در حین شکار، آهویی دید و با حسن سوءاستفاده از غفلت او، توانست او را زنده شکار کند. شکارچی وقتی آهو را شکار کرد تصمیم گرفت او را به شهر ببرد و به همسرش هدیه دهد. اما از آنجا که جایی برای نگهداری آهو نداشت، آهو را نزد یکی از دوستانش که دارای یك دامداری بود برد و از وی خواهش کرد برای مدتی از وی نگهداری کند. مرد دامدار نیز آهو را به طویله خرها برد. آهو وقتی وارد طویله شد، ساعتی به این‌سو و آن‌سوی طویله گریخت تا آن‌که خسته شد و یك جا نشست. در این هنگام یکی از خرها به آهو نزدیك شد و گفت: ای آهوی زیبا، چه مرگت است؟

آهو گفت: ما آهوها به عنوان موجوداتی زیبا همواره مورد توجه شاعران و ادیبان بوده‌ایم. بدان که من بزرگ شده دشت و صحرا هستم و همیشه در فضای آزاد مشغول جست‌وخیز و چمیدن بوده‌ام و به زندگی در این دخمه تنگ و تاریك در جوار خر و الاغ عادت ندارم. خر گفت: عادت می‌کنی و از آهو دور شد. شب هنگام کارگر دامداری در آخور خران کاه و یونجه ریخت و خران با اشتها مشغول خوردن شدند. خر یاد شده به آهو گفت: بفرما بخور. آهو گفت: غذای من سبزه و علف تازه و برگ درختان است. این آشغال‌ها که شما می‌خورید از گلویم پایین نمی‌رود. خر گفت: به درك و مشغول خوردن شد.

سه شبانه‌روز به همین منوال گذشت و آهو افسرده و ضعیف و لاغر شد و زیبایی و طراوت خود را از دست داد. در روز چهارم مرد شکارچی به دامداری دوستش مراجعه کرد و گفت: یکی از دوستانم ویلای بزرگی دارد و در آن به نگهداری حیوانات از جمله ۱۱ قلاده ببر، سی و چند قلاده سگ و چند پرنده شکاری از جمله عقاب و شاهین می‌پردازد. از او خواهش کردم در گوشه‌ای از ویلای خود از آهوی من نیز نگهداری کند.

مرد دامدار به طویله خران رفت و آهو را نزد مرد شکارچی آورد. مرد شکارچی وقتی چشمش به آهو افتاد، گفت: آهوی من این بود؟ این‌که عنقریب جانش درمی‌رود. مرد دامدار گفت: خودم هم تعجب کردم. مرد شکارچی گفت: این را در طبیعت رها کن برود، چرا که زیبایی و طراوت خود را از دست داده است. سپس افزود: در عوض چند تا از خرهایت را به من بده که به ویلای دوستم ببرم و جلوی ببرها بیندازیم و تفریح کنیم. مرد دامدار چندتا از خرها را -که خر یاد شده نیز در میان آنها بود- به مرد شکارچی داد. آهو وقتی چشمش به خر یاد شده افتاد، سرش را دم گوش او برد و جمله‌ای حکیمانه گفت که کسی نشنید. به این‌ترتیب همه خاموش شدند.

وقتی عقل نمکی می‌شود

نتایج یك تحقیق نشان می‌دهد، خوردن سه‌برابر نمك بیشتر از مقدار توصیه شده در هر روز می‌تواند باعث ایجاد توده‌های سمی در مغز شود که به زوال عقل مرتبط هستند.

به گزارش فارس، این آزمایش که روی موش‌ها انجام شد، نشان می‌دهد رژیم غذایی بسیار شور باعث ایجاد پروتئینی به نام تاو در مغز می‌شود. این پروتئین‌ها که کارکرد خود را در تثبیت کردن ریزلوله‌ها از دست داده‌اند، عامل اصلی بیماری‌های مرتبط به زوال عقل مانند آلزایمر و پارکینسون هستند.

رژیم غذایی پر نمك همچنین می‌تواند باعث افزایش فشار خون شود که می‌تواند خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی و سکته‌های مغزی را افزایش دهد.